

چطور جمله مجهول بسازم؟

Active and passive voice

حالت معلوم و مجهول

We use active voice

ما از حالت معلوم

when the grammatical subject of the sentence

وقتی فاعل دستوری جمله

is performing the action.

در حال انجام به کاریه، استفاده میکنیم.

Let's assume you saw your friend Lina

فرض کنیم دوستت لینا رو میبینی

cleaning the house.

که داره خونه رو تمیز میکنه.

And say:

و میگی:

Lina cleans the house.

لینا خونه رو تمیز میکنه.

Lina is your subject.

لینا فاعلته.

Because she is performing the action "cleaning".

چونکه داره عمل "تمیز کردن" رو انجام میده.

Now let's make the house

الان بیاین "خونه" رو

the subject of the sentence.

تبدیل به فاعل جمله کنیم.

Assume Lina's mother comes home

فرض کن مادر لینا میاد خونه

She is concerned about the house being cleaned

اون بیشتر تمیز بودن خونه براش مهمه

rather than who did it.

تا کسی که تمیزش کرده.

So she says:

پس میگه:

Nice, the house is cleaned!

خوبه، خونه تمیزه!

And then she looks at you

و بعد به تو نگاه میکنه

and she asks:

و میپرسه:

Who cleaned it? Was it you?

کی تمیزش کرد؟ تو؟

and you point at Lina and say:

و تو لینا رو نشون میدی و میگی:

She cleaned it.

اون تمیز کرد.

We use the active voice again

دوباره از حالت معلوم استفاده میکنیم

because it is important who cleaned the house now.

چون الان اینکه کی خونه رو تمیز کرده مهمه.

As you can see

همونطور که میتونید ببینین

both sentences make sense

هر دو جمله

in their own specific situation

تو جایگاه مخصوص خودشون معنی میدن

and they are both grammatically correct.

و جفتشون از لحاظ دستوری درستن.

But it is really important to differentiate them

ولی از هم تشخیص دادنشون خیلی مهمه

since the voice that you are using

چون فعلی که داری استفاده میکنی

can have a considerable effect on the message

میتونه تاثیر قابل توجهی رو پیامی

that you are trying to convey to your listener.

که داری سعی میکنی به شنونده منتقل کنی، داشته باشه.

How to construct the passive voice?

چطور حالت مجهول بسازیم؟

Well

خب

consider this sentence in active voice

این جمله رو در حالت معلوم فرض کن

The cat ate the mouse.

گربه موش رو خورد.

The cat is your subject.

گربه فاعلته.

The mouse is your object

موش مفعولته

and "ate" is the verb

و ate فعله

past tense of eat.

که گذشته ی eat هست.

Right?

درسته؟

In passive voice the order is reversed

در حالت مجهول ترتیبش برعکس میشه

what was the object before is now the subject.

چیزی که مفعول بوده الان فاعله.

The verb also changes.

فعل هم تغییر میکنه.

I can say the formula just in case

میتونم محض اطلاع فرمولش رو بگم

I don't recommend to memorize it.

توصیه نمیکنم که حفظش کنین.

The be verb + past participle

فعل to be + شکل سوم فعل

It is also optional to add

همچنین اضافه کردن

your previous subject after by.

فاعل قبلی بعد از by اختیاریه.

For example:

برای مثال:

The mouse was eaten by the cat.

موش توسط گربه خورده شد.

In this case

در این مورد

we don't call the cat the subject anymore.

دیگه به گربه نمیگیم فاعل.

We call it the agent.

بهش میگیم عامل (انجام دهنده ی کار)

Why do we use passive voice?

چرا از حالت مجهول استفاده میکنیم؟

There are also some other reasons

دلایل دیگه ای هم

for using passive voice

برای به کار بردن حالت مجهول وجود داره

one of them I mentioned already

یکیشون که جلوتر گفتم

to shift the focus from the subject to the object

انتقال تمرکز از روی فاعل به مفعول

for example:

مثلا:

The airplane was invented in the 20th century

هواپیما در قرن بیستم

by the Wright brothers.

توسط برادران رایت اختراع شد.

The second reason is simply

دلیل دوم صرفاً

because we don't know who did it

برای اینکه ما نمی‌دانیم کی این کارو کرده

or we just don't wanna mention it for some reasons.

یا بنا به دلایلی نمی‌خواهیم بهش اشاره کنیم.

For example:

مثلاً:

The packages were delivered on time.

بسته‌ها سرموقع دریافت شدند.

The third reason is:

دلیل سوم اینه:

It is the language of science.

این زبانِ علمه.

When we want to give information

وقتی میخوایم اطلاعات بدیم

we mostly use passive voice

اکثرا از حالت مجهول استفاده میکنیم

because it puts emphasis on what is done

چونکه بیشتر روی کاری که انجام شده تاکید میکنه

rather than who did it.

تا کسی که انجامش داده.

So one could say:

پس میشه گفت:

The humidity levels are measured every four hours.

سطح رطوبت هر چهار ساعت یه بار اندازه گیری میشه.

Again we do not care who did the measuring

باز به اینکه کی اندازه گیری کرده اهمیت نمیدیم

and that is why

و به همین دلیل که

we leave the doer of the action

انجام دهنده ی کار رو

out of the sentence.

بیرون از جمله قرار میدیم.

Just go away, I don't care about you.

فقط برو بیرون ، بهت اهمیت نمیدم.

OK

خب

Now it's your turn to practice a little bit.

حالا نوبت شماست یکم تمرین کنید.

Translate these sentences in the comments.

تو قسمت کامنت ها این جمله ها رو ترجمه کنید.

and

I'm going to see you soon

به زودی میبینمتون

bye!

خدانگهدار!